

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا

سال ششم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳

بررسی کنش بیانی امر در دو زبان فرانسه و فارسی

پریوش صفا^۱

سارا قائمی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۷

تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۱۰

چکیده

در مقاله حاضر کوشیده‌ایم نشان دهیم که علاوه بر دو وجه امری و التزامی، شش فرم زبانی دیگر نیز در زبان‌های فارسی و فرانسه، برای بیان امر و التزام به کار می‌رود. حاصل این تحقیق، نکاتی جالب را آشکار می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان موارد ذیل را نام برد: رابطه بین بیان امر و التزام با ذی‌نفع بودن یا نبودن گوینده جمله؛ ویژگی معنایی فعل «بایستن» که در هر دو زبان، فقط معنای امر را بیان می‌کند؛ جنبه کاربردی بیان غیرمستقیم امر و اولویت داشتن آن در زبان فارسی؛ استفاده از عبارات‌های واژگانی در دو زبان برای تخفیف شدت بیان امر؛ کاربرد شکل آینده ساده در زبان فرانسه برای بیان مؤدبانه‌تر امر و تأثیر تشدیدکننده جای‌گزین آن (زمان

^۱ استادیار و عضو هیات علمی گروه آموزش زبان فرانسه دانشگاه تربیت مدرس؛ parisafra@yahoo.fr

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه آموزش زبان فرانسه دانشگاه تربیت مدرس؛ sara_ghaemi2005@yahoo.com

حال ساده) در زبان فارسی که با لحن تحکم آمیز، امر را بیان می کند و گاه نیز حاکی از تهدید است.

واژه‌های کلیدی: امر، دستور، التزام، نمود، زمان حال، زمان آینده.

۱. مقدمه

امر، فرمی زبان شناختی است که به کمک آن، گوینده برای دست یافتن به وضعیت مطلوب، مخاطب را در کنشی خاص درگیر می کند.

اگر گوینده از اختیاراتی طبیعی در مقابل شنونده برخوردار باشد، عمل دستوردادن، مشکلات کمتری به وجود می آورد؛ همچنین وقتی دو طرف گفتگو یکدیگر را به خوبی می شناسند و نوعی قرابت خویشاوندی یا صمیمیت میانشان وجود دارد، آسان تر و با خاطری آسوده تر، صورت های گوناگون امر را درباره یکدیگر به کار می برند و بدون تکلف، از شکل ساده امر استفاده می کنند.

در مقابل اگر دو طرف گفتگو یکدیگر را نشناسند، کاربرد فرم ساده امر به تنهایی، ممکن است باعث ایجاد سوء تفاهم شود یا حاکی از بی ادبی گوینده باشد و بدین صورت، نتیجه مورد نظر گوینده از دستوردادن حاصل نشود.

ظاهراً در تقسیم بندی های معنایی این وجه، به دلیل وجود تفاوت آشکار در توزیع و تنوع صورت های مختلف امر بین دو زبان، بیشتر زبان آموزان ایرانی به دلیل پیچیدگی های موجود در زبان فرانسه و نبود مطابقت یک به یک میان دو زبان فرانسه و فارسی در کاربرد صورت های گوناگون امر در زبان فرانسه، دچار مشکل می شوند؛ البته خوش بختانه، معمولاً بیان جمله های امری، به شکل مؤدبانه صورت می گیرد و به هر طریق، برقراری ارتباط، مختل یا متوقف نمی شود؛ اما به هر حال، توجه به ظرافت های زبان و رسیدن به درک درست از موارد کاربرد و بافت های گوناگونی که صورت هایی خاص را ایجاد می کنند، از هدف های آموزش زبان و در نتیجه، دارای اهمیت بسیار است؛ زیرا در هریک از سطوح

آموزش، رسیدن به خواسته‌ای که از طریق یک جمله امری بیان می‌شود، گاه به دانسته‌هایی گسترده‌تر نیاز دارد که از حد کاربرد واژه «لطفاً» فراتر می‌رود و رعایت نکردن آن‌ها موجب می‌شود تصویر گوینده در ذهن شنونده بومی زبان مقصد، از واقعیت دور شود و در نتیجه، ارتباط دو طرف در بقیه موارد را نیز تحت الشعاع خود قرار دهد.

در این پژوهش، انواع انگاره‌هایی را بررسی کرده‌ایم که در زبان‌های فرانسه و فارسی، امر و التزام را در گفتار بیان می‌کنند؛ همچنین با واضح‌سازی کاربرد آن‌ها، در برطرف کردن سوء تفاهم ناشی از تفاوت‌های فرهنگی کوشیده‌ایم. نکته‌ای دیگر که در مقاله حاضر، مورد نظر قرار گرفته، مشکلاتی است که زبان آموزان هنگام استفاده از این ساختارها در زبان گفتاری، با آن‌ها مواجه می‌شوند.

زبان، پدیده‌ای است ذهنی که دو تجلی مادی به نام‌های نوشتار و گفتار دارد. در پی مطالعه‌ای مختصر درباره تاریخ مطالعات زبانی درمی‌یابیم در دوره‌های متفاوت، یکی از دو سطح نمایش زبان (گفتار یا نوشتار)، مورد توجه قرار گرفته است. در طول سده‌های متمادی، نوشتار، معیار عالی زبان و مورد توجه بسیار بوده و این نظریه تا اواخر قرن نوزدهم، طرفداران بسیار داشته است. از اوایل قرن بیستم به بعد، کم‌کم به نوشتار توجه شد؛ تا آنجا که بلومفیلد^۲، زبان‌شناس آمریکایی گفت نوشتار، زبان نیست؛ تنها راه ثبت زبان نشانه‌های آن است که بیشتر، به زبان گفتاری بپردازد (کریستال، ۱۹۹۲: ۱۷۷). زبان گفتار، عبارت از زبانی است که مردم به آن تکلم می‌کنند و از این روی، در انتقال اطلاعات، نقشی بسیار مهم دارد. هرچه موجب بروز ابهام برای شنونده شود، در انتقال اطلاعات، خلل وارد می‌کند و موجب ایجاد سوء تفاهم می‌شود؛ بدین ترتیب، در این تحقیق، زبان گفتاری، مدنظر است (واعظی، ۱۳۸۶).

۲. پیشینه پژوهش

فعل امر، یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در دستور زبان فارسی است؛ از این روی، در تمام کتاب‌های دستور زبان فارسی، تعریف‌هایی از آن بیان شده است که در اینجا، به‌طور مختصر، برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

پرویز ناتل خانلری (۱۳۸۳: ۳۲) در تعریف فعل امر گفته است: «صیغه‌ای که برای فرمان دادن، یعنی واداشتن کسی به کاری استعمال می‌شود».

از آن سوی، محسن ابوالقاسمی، معتقد است امروزه، وجه امری، علاوه بر کاربرد در این وجه، به جای وجه دعایی هم به کار می‌رود؛ مانند: «خدا بیامرزدش!» به جای «خدایش بیامرزاد!». به گفته وی، در فارسی باستان، از وجه اخباری نیز برای بیان امر استفاده می‌شده است.

تعریف شهرزاد ماهوتیان از وجه امری، مفاهیمی جامع‌تر را دربر می‌گیرد. به عقیده او، جمله امری، جمله‌ای است که دستور، فرمان، توصیه یا خواهشی را دربر دارد و فعل آن، از وجه امری است؛ مانند: «به دبستان برو» و «به خانه ما بیا».

همان‌گونه که دیدیم، تعریف‌های زیادی درباره وجه امری، در کتاب‌های دستور زبان فارسی بیان شده است. در زبان فرانسه نیز در کتاب‌های گرامر، درباره این وجه، مطالب بسیار نوشته شده است. موریس گرویس امر را وجهی برای بیان دستور، تشویق و دعا دانسته؛ اما به‌طور خاص، کاربرد آن را بر دو دسته تقسیم کرده است: نخست، بیان دستور و دوم، تشویقی که گوینده بر خود اعمال می‌کند. در مقابل این تعریف گرویس از امر، آ. آرنولورس و لانسو در کتاب دستور عمومی و منطقی زبان نوشته‌اند وجه امری برای اول‌شخص مفرد بیان نشده است؛ زیرا هیچ‌گاه امر ازسوی فاعل، بر فاعل اعمال نمی‌شود؛ همچنین برای سوم‌شخص مفرد و جمع به کار نمی‌رود؛ زیرا تنها به کسی دستور می‌دهیم که مخاطب ماست. به گفته آن‌ها، دستور یا دعایی که خطاب به دیگری بیان می‌کنیم، مربوط به آینده است و به همین دلیل، آینده و امر را در برخی زبان‌ها می‌توان به جای هم به کار برد. J.H. Pellat و M. Rigel در کتاب متودیک فرانسه، تعریفی دقیق‌تر را از امر به دست داده‌اند که تعریف‌های دیگر را نیز شامل می‌شود (ر. ک. گرامر فعل فرانسه، دنیل

لیمن بویکس، ۱۹۹۴). ازدیدگاه آن‌ها، با توجه به وضعیت‌های خاص، امر می‌تواند بیانگر دستور قاطع، توصیه، آرزو، دعا و درخواست مؤدبانه باشد.

با وجود تمام این تعریف‌ها، تاکنون، هیچ‌گونه مطالعه تطبیقی دربارهٔ دو زبان فارسی و فرانسه، درحوزه کاربرد وجه امری انجام نشده است. حال، این سؤال مطرح می‌شود که آیا روش‌ها و کاربردهای این وجه در هر دو زبان، یکسان است و آیا وضعیت گفتمان و تفاوت‌های فرهنگی میان این دو زبان، باعث ایجاد تفاوت در کاربرد این وجه در آن‌ها می‌شود یا خیر.

برای پاسخ‌دادن به این دو سؤال، نخست، نقش دو عنصر مهم در بیان امر، یعنی پیشندهای کنشی و لطیف‌سازی بافت جمله را بررسی و سپس داده‌های تحقیق را تحلیل می‌کنیم.

۳. نقش پیشندهای کنشی

یک جملهٔ آمرانه را می‌توان به روش‌هایی گوناگون بیان کرد. یکی از این روش‌ها، بیان جملهٔ آمرانه با استفاده از برخی فعل‌هاست که بالقوه، معنای امر و دستور دارند و به آن‌ها پیشندهای کنشی می‌گویند. این پیشندها عبارت‌اند از: درخواست کردن^۱، دستوردادن^۲، مجبور کردن^۳، بایستن^۴ و....

۴. لطیف‌سازی بافت جمله

گاه کاربرد مستقیم امر ممکن است باعث ایجاد سوء تفاهم بین دو طرف گفتگو شود و برای رفع این مشکل می‌توان از روش‌هایی استفاده کرد که باعث لطیف‌شدن لحن آمرانه می‌شوند. نخستین روش از این دست، افزودن یک فرمول سادهٔ مؤدبانه به جملهٔ امری، مثل «لطفاً» (s'il vous plaît) است. در زبان فرانسه، علاوه بر معادل کلمه «لطفاً»، فرمی دیگر با همین معنا وجود دارد که عبارت از کاربرد فعل کمکی «خواستن» در فرم *veuillez* است:

-
1. Demander
 2. Ordonner
 3. Obliger
 4. Devoir

Veillez vous asseoir un instant.

لطفاً چند لحظه بنشینید!

چنان که می‌بینیم، در ترجمه فارسی جمله، اثری از فعل «خواستن» نیست؛ گرچه در زبان فارسی محاوره‌ای، گاه از صورت «خواستن» استفاده می‌کنیم؛ مانند:
- پس می‌خواین شما زودتر برین. ما بعداً می‌یایم.

به نظر می‌رسد در این صورت، فعل «خواستن» فارسی در این گونه جمله‌ها، بیشتر برای پیش‌نهاد به کار می‌رود و این شگرد، نوعی لطیف‌سازی امر و گونه‌ای از بیان مؤدبانه به‌شمار می‌آید.

دومین روش، استفاده از فعل کمکی به شکل سؤالی است؛ مانند:

- **میشه** به من بگی ساعت چنده؟

سومین روش، استفاده از مصدر است که تنها در زبان فرانسه رواج دارد و کاربرد آن در زبان فارسی از بین رفته است؛ مانند:

(pour toute information , s'adresser au guichet d'en face)

برای هر گونه اطلاعات، به گیشه روبرو **مراجعه کنید**.

آخرین روش، استفاده از عبارت‌های اسمی است که کاربرد آن در زبان فارسی، تنها به دادن اطلاعات به عموم بر روی آفیش‌ها و تابلوها محدود می‌شود؛ مانند:
- سیگار کشیدن **ممنوع!**

Prière de ne pas fumer!

حرف زدن موقوف!

۵. تجزیه ساختاری و معنایی انگاره‌های بیان‌کننده امر

در آغاز تصور می‌شد امر در زبان‌های فارسی و فرانسه، فقط با استفاده از وجه امری بیان می‌شود؛ اما پژوهش‌های انجام‌شده درباره داده‌های زبانی، شامل سی صد مثال فارسی و چهار صد مثال فرانسه، نتایجی جالب توجه را در پی داشت. امر در زبان‌های فارسی و فرانسه، علاوه بر وجه امری، به روش‌هایی دیگر بدین شرح هم بیان می‌شود: وجه گرامری

شامل وجه اخباری، وجه التزامی و جمله سؤالی؛ فرم‌های زمانی شامل آینده ساده و آینده نزدیک؛ عناصر فعلی شامل فعل «بایستن»، صفت، قید و ...

در این بخش، به ترتیب، هریک از روش‌های بیان‌کننده امر را در دو زبان فارسی و فرانسه تحلیل می‌کنیم:

الف) حال ساده:

- ما امشب بیرون می‌رویم.

Présent de l'indicatif : Nous sortons ce soir.

بافت غیر کلامی: این جمله، برگرفته از زندگی‌نامه نقاش مکزیکی، فریدا کهلو است. او با استفاده از این جمله می‌خواست همسر خود را که به سبب شکست‌های مالی، افسرده و گوشه‌گیر شده بود، به خروج از خانه مجبور کند.

بیان این جمله دقیقاً به این شکل در زبان فارسی، برعکس زبان فرانسه، هرگز حاکی از امر نیست؛ بلکه این جمله، صرفاً از نوع خبری تلقی می‌شود. در چنین صورتی، یعنی بیان امر با استفاده از زمان حال ساده، تأکید و شدت آهنگ صدا روی آن، معنا و هدف اصلی گوینده را تعیین می‌کند. شنونده گاه برای دریافت قصد گوینده، به عوامل غیرزبانی نیاز دارد و در غیر این صورت نمی‌توانیم این جمله را از نوع بیان‌کننده امر بدانیم؛ مثلاً جمله «علی! من با تو دارم حرف می‌زنم»، از نوع حال ساده است. در این جمله، مادر قصد دارد توجه پسرش را جلب کند و او را بدان سبب که به حرفش گوش نمی‌کند، سرزنش کند؛ از این روی، به جای آنکه به او بگوید: «گوش کن!»، از این جمله استفاده می‌کند؛ اما این جمله را می‌توان به دو روش دیگر، با همان مفهوم بیان کرد:

- «مگه با تو نیستم؟»: در این جمله، امر با لحنی شدیدتری بیان شده است.

- «خواست کجاست؟»: در این مثال، بیان امر، به لحن و محتوا بستگی دارد.

البته با افزودن «آ» به آخر فعل در زبان فارسی می‌توانیم لحن آمرانه آن را افزایش دهیم.

«ها» یا «آ» در زبان فارسی، معادل hein در زبان فرانسه است:

- امروز می‌رویم بیرون ها!

- علی! دارم با تو حرف می‌زنم!!

ب) التزام:

Le subjonctif : Que personne ne parle.

- هیچ کس حرف نزنه!

بافت غیر کلامی: این جمله، برگرفته از یک فیلم پلیسی است که در آن، یک پلیس دختر بچه‌ای را از دست گروگان‌گیران نجات می‌دهد. پدر و مادر دختر بچه، مهمانی‌ای ترتیب می‌دهند و دوستان خود و همچنین آن پلیس را دعوت می‌کنند. در آن مهمانی، پلیس از همه مهمان‌ها می‌خواهد چند لحظه سکوت کنند و به حرف‌های او گوش بدهند. این جمله، در زبان فرانسه، به‌عنوان جمله امری مستقیم استفاده می‌شود؛ اما چنین کاربردی در زبان فارسی، چندان رایج نیست. در زبان فارسی، در صورتی از این وجه، معنای امر و التزام دریافت می‌شود که این وجه به‌صورت دستور شرطی با استفاده از «ابتدا... سپس...» بیان شود؛ مانند:

- اول، تکالیفت رو انجام می‌دی؛ بعد می‌ری بیرون.

این جمله، از نوع شرطی است و در آن، گوینده، خارج‌شدن مخاطب از خانه را به انجام‌دادن تکالیفش مشروط کرده است. این‌گونه جمله، امر شرطی نام دارد.

ج) سوالی:

Structure interrogative :

Tu ne veux pas essayer de dormir?

- نمی‌خواهی بخوابی؟ (تو خواب نداری؟)

در اینجا، نکته قابل توجه، این است که اگر جمله سؤالی، به جمله، معنای امر بدهد، علت، منفی بودن آن است و در حالت مثبت، معنایی خلاف معنای کنونی می‌دهد:

tu veux essayer de dormir?

- می‌خواهی بخوابی؟

این جمله در زبان فارسی، همانند زبان فرانسه، بیان‌کننده امر است؛ اما در زبان فارسی، جمله سؤالی به شکل مثبت هم می‌تواند بیانگر امر باشد؛ مانند:

- مریم! لیوانو بهم میدی؟ (میشه اون لیوانو بهم بدی؟)

این جمله هم نوعی بیان غیرمستقیم امر است و در آن، از لحنی ملایم و دوستانه استفاده شده است. در چنین جمله‌ای انتظار نمی‌رود مخاطب، پاسخ منفی بدهد.

(د) آینده ساده:

- تو هیچی نمی گویا! Futur simple: Tu ne diras rien.

بافت غیر کلامی: پسر بچه‌ای به کمک دوستش، در حال جستجوی جعبه‌ای در صندوقچه پدرش است. خواهر کوچک پسر بچه او را هنگام انجام دادن این کار می‌بیند و برادر بزرگ - که حدوداً ده سال دارد - وحشت زده و عصبانی، این جمله را به خواهرش می‌گوید.

در زبان فرانسه، آینده ساده گاه برای تعدیل لحن آمرانه جمله به کار می‌رود؛ اما در زبان فارسی، زمان حال ساده که بیان‌کننده آینده ساده در زبان فرانسه است، بیشتر برای بیان امر همراه با تهدید یا نشان دادن موقعیت برتر گوینده کلام نسبت به مخاطب به کار می‌رود؛ مانند:

(ه) آینده قریب الوقوع:

- تو پولو به من پس می‌دی! - فردا کلاستو می‌ری!

) Futur proche : Tu vas me le payer

بافت غیر کلامی: این جمله، برگرفته از یک فیلم پلیسی است که در آن، افسر پلیس از یکی از رئیس‌های خود، مبلغی پول قرض کرده و پس از گذشت مدتی طولانی، آن را بازنگردانده است.

در این مورد هم لحن و محتوا نقشی مهم ایفا می‌کنند. در زبان فارسی، برای بیان امر، از آینده قریب الوقوع استفاده نمی‌شود.

(و) عناصر فعلی:

(ز) فعل بایستن (شخصی):

Le verbe Devoir : Tu dois rentrer.

- تو باید برگردی!

بافت غیر کلامی: دختری جوان برای ادامه تحصیل، به شهری دیگر می‌رود؛ اما موفق نمی‌شود نظر استادان و دوستان خود را به کارهایش جلب کند. این جمله را یکی از هم‌اتاقی‌هایش به عنوان راه حل به او می‌گوید.

فعل بایستن (devoir) در زبان فارسی، همانند فرانسه، همیشه و در تمام متن‌ها بیانگر امر است.

۶. عناصر واژگانی در زبان‌های فارسی و فرانسه

کاربرد عناصر واژگانی به‌حدی در زبان فارسی، رایج است که گویی جزئی از فرهنگ ما شده است؛ به‌طوری که استفاده‌نکردن یا استفاده کم از آن‌ها ممکن است حاکی از بی‌ادبی‌گونه باشد و برای مخاطب ایرانی، سوء تفاهم ایجاد کند.

بررسی داده‌ها، مشتمل بر سی صد مثال به زبان فارسی، شماری از این عناصر واژگانی را به ما نشان می‌دهد. در جدول ۱، تعدادی از این عناصر را معرفی می‌کنیم:

جدول ۱

عناصر واژگانی زبان فارسی	مثال	بار معنایی	اصوات	مثال
۱. دیدن	راستی؟ حرف بز بینم!	ناباوری توأم با فراخوان اثبات	آ	ما امروز می‌ریم بیرونا!
۲. دیدن	برو بینم!	ناباوری توأم با تحقیر مخاطب	تو رو خدا	تو رو خدا دست از سرم بردار!
۳. دیدن	بگو بینم از فلانی، خبر داری؟	تأکید بر شروع گفت‌وگو در بافت گفته‌پردازی	بابا	نکنید بابا!
پاشدن	پاشو کمکش کن!	اشراف ضمنی به انفعال مخاطب		
بلندشدن	بلند شو برو بخواب!	اشراف ضمنی به انفعال مخاطب		
رفتن	بلند شو برو بخواب!	اشراف ضمنی به انفعال مخاطب		
گرفتن	بگیر بشین!	متوقف کردن فعالیت		
دویدن	بدو بریم!	تأکید بر ایجاد شتاب		
فرمایدن	بفرما بید بنشینید!	بیان مؤدبانه		

			اون لیوان آب بردار بیار!	۱. برداشتن
		ناخشودی	ورداشته هرچی دلش خواسته پشت سرم گفته.	۲. برداشتن
		بیان مؤدبانه	از شما تقاضا می‌کنم منت بگذارید و در هتل من اقامت کنید!	منت گذاشتن
		بیان مؤدبانه	می‌تونید تشریف ببرید داخل!	تشریف‌بردن

«دیدن» به‌عنوان یک گزاره نمودی، سه کاربرد متفاوت دارد که دو مورد از آن‌ها مبتنی بر بار معنایی ژرف‌ساختی ناباوری است و در دسته اول، ناباوری، توأم با فراخوان اثبات ازسوی مخاطب است؛ مانند وقتی که در برابر خبری غافل‌گیرکننده مبتنی بر توانایی خاصی در مخاطب قرار می‌گیریم و با بیان گفته‌ای همچون «راستی؟ حرف بزن بینم!» به‌عنوان پاسخ جمله‌ای مانند «من ظرف چهار ماه، زبان اسپانیولی را یاد گرفتم»، این مفهوم را می‌رسانیم. در زبان فرانسه، این جمله را بدین صورت بیان می‌کنیم:

Ah, bon! Fais voir!

در کاربرد دوم، فعل «دیدن» با همان کاربرد بنیادی ناباوری توأم با پس‌راندن و تحقیر مخاطب دیده می‌شود؛ مثل: «برو بینم!» معادل لفظی «برو پی کارت!» که در زبان فرانسه، بدین‌گونه بیان می‌شود:

Va-t-en!

معمولاً در این حالت، «دیدن» برای رد یک گزاره منطقی به کار می‌رود که درباره گوینده ادا شده است.

در کاربرد سوم، فعل «دیدن»، بامعنای تأکید بر شروع گفتمان جدید در بافت گفته‌پردازی می‌آید؛ مانند:

- بگو ببینم از فلانی، خبر نداری؟

Dis voir + Ω

در اینجا، Ω نشانه متمم است.

دستیابی به این مهارت زبانی در حد اعلای آن، تنها در پی هم‌نشینی و هم‌زیستی با اهل زبان و قرار گرفتن در جامعه زبانی زبان مقصد، میسر می‌شود.

عبارت‌های فعلی «پاشدن» و «بلندشدن» در معنای ژرف‌ساختی «اشراف ضمنی به انفعال مخاطب» به کار می‌روند؛ چنان‌که گویی گوینده با استفاده از این گزاره‌ها، چیزی را به مخاطب یادآوری می‌کند که بدون آن انجام نخواهد گرفت.

یکی از کاربردهای si+imparfait در زبان فرانسه، پیش‌نهاد است که معمولاً در بافت‌هایی موقعیتی مشابه «بلند شو» و «پاشو» در زبان فارسی به کار می‌رود:

Si tu allais un peu aider ta sœur!

«گرفتن» در جمله‌هایی مانند «بگیر بشین» و «بگیر بخواب»، در معنای ژرف‌ساختی متوقف کردن فعالیتی به کار می‌رود که مخاطب بر آن اصرار می‌ورزد. با این کار، گوینده مخاطب را به تغییر وضعیت کنونی یا انجام دادن کاری ترغیب می‌کند که خود گوینده بر آن تأکید می‌کند؛ در حالی که در زبان فرانسه، مفهوم بخش گزاره‌ای این گفته را می‌توان با کاربرد یک عبارت منفی مانند این نمونه بیان کرد:

Tu ne veux pas essayer de dormir?

«دویدن» در معنای بنیادی تأکید بر ایجاد شتاب در جریانی به کار می‌رود که در شرف وقوع است. معادل این گزاره در زبان فرانسه، با فعل courir به معنای «دویدن» یا فعل aller همراه قید très vite بیان می‌شود؛ مانند:

Va très vite à l'épicerie!

Cours à la boulangerie!

«فرمایدن» صرفاً برای بیان مؤدبانه کاری استفاده می‌شود که در جهت منافع مخاطب صورت می‌گیرد و در زبان فرانسه، به دو شکل بیان می‌شود:

الف) استفاده از صورت امر فعل vouloir به معنای خواستن؛ مانند:

Veillez vous asseoir!

Veillez prendre une chaise!

ب) با استفاده از صورت امر فعل اصلی، همراه با عبارت مؤدبانه s'il vous plaît به معنای «لطفاً» و «خواهش می‌کنم»؛ مانند:

Prenez une chaise, s'il vous plaît!

«برداشتن»، فعلی با دو کاربرد متفاوت است و به نظر می‌رسد در کاربرد اول آن، با نوعی عادت زبانی مواجه‌ایم که چندان ضرورتی ندارد. شاید زمانی معنای واقعی فعل «برداشتن»، بلند کردن چیزی برای جابه‌جایی آن، معادل فعل saisir در زبان فرانسه بوده باشد که هرگز در آن زبان، چنین کاربردی ندارد؛ اما در کاربرد دوم فعل «برداشتن»، در معنای ژرف‌ساختی آن، ابراز ناخشنودی از چیزی، در معنای فعل، نهفته است؛ مانند:

- ورداشته هرچی دلش خواسته، پشت سرم گفته!

در زبان فرانسه، هیچ فعلی برای بیان این ظرافت زبانی وجود ندارد و تنها در بافت کلامی و با توجه به لحن کلام می‌توان این حس ناخشنودی را دریافت. مجموعه این عناصر واژگانی، در حوزه بُرد عاطفی و روان‌شناختی لحن قرار می‌گیرند. این عناصر کمابیش در تمام فرهنگ‌ها وجود دارد؛ اما میزان استفاده از آن‌ها در زبان فرانسه، بسیار کمتر از زبان فارسی است.

جدول ۲ بیانگر شماری از این عناصر واژگانی در زبان فرانسه است:

جدول ۲

Exemple	Interjection	Charge Sémantique	Exemple	Verbe
Oh, laissez tomber!	oh	Encourager qq.n, manifester son impatience et son agacement	Allez, dors!	Va, allons, allez
Et bon, regarde ça	bon	Marque indignation, désapprobation ou la surprise	Tiens, regarde ses yeux	tiens
Alors, racontez-moi	alors			
Dits, donc!	donc			
Tu y vas, hein!	hein			

۷. نتیجه گیری

براساس آنچه در این مقاله گفتیم:

الف) علاوه بر وجه امری، شش انگاره دیگر نیز بیانگر امر است؛ از جمله: زمان حال ساده، آینده ساده، آینده قریب الوقوع که در زبان فارسی وجود ندارد، التزام، فرم سؤالی و سرانجام، فعل «بایستن». هریک از این صورت‌های بیان امر، ویژگی‌های خاص خود را دارند. در صورت وجود زمان حال ساده، آینده ساده و آینده قریب الوقوع در جمله، تأکید و شدت آهنگ صدا بروی آن‌ها، تعیین کننده معنا و هدف اصلی گوینده است و گاه شونده برای دریافت قصد گوینده، به عوامل غیرزبانی نیاز دارد.

ب) زمان آینده در زبان فرانسه، گاهی برای لطیف‌سازی لحن آمرانه امر به کار می‌رود؛ اما در زبان فارسی، زمان حال ساده که بیان کننده امر آینده است، بیشتر برای بیان امر همراه با تهدید یا نشان دادن برتری جایگاه گوینده نسبت به مخاطب به کار می‌رود.

ج) به نظر می‌رسد در زبان فارسی، استفاده از عناصر واژگانی، بسیار رایج است و استفاده کم از آن‌ها باعث ایجاد سوء تفاهم برای مخاطب فارسی‌زبان می‌شود؛ اما در زبان فرانسه، استفاده زیاد از این عناصر، چندان رایج نیست. به کارگیری این عناصر در زبان فرانسه، ممکن است ارتباط کلامی را دچار مشکل و برای مخاطب فرانسه‌زبان، سوء تفاهم ایجاد کند.

د) در برخی موارد، در جمله‌های امری، فاعل، ذی نفع است و در این حالت، جمله بیان شده از سوی گوینده، از نوع امری است؛ اما اگر در جمله‌ای، مخاطب، ذی نفع باشد، آن جمله، بیانگر معنای التزام است.

ه) در زبان فارسی، همانند زبان فرانسه، فعل «بایستن» به عنوان پیشوندی کنشی در تمام جمله‌ها، بیانگر معنای امر است.

و) در زبان فارسی، بیان غیر مستقیم امر، بسیار رایج است.

ز) در زبان فرانسه، از زمان حال ساده^۱، برای بیان امر استفاده می‌شود؛ اما در برخی متن‌ها نیز می‌توان از این زمان، برای لطیف‌سازی لحن آمرانه استفاده کرد؛ در مقابل، در

زبان فارسی، زمان حال ساده که جای‌گزین زمان آینده ساده در زبان گفتاری است، هیچ‌گاه برای ملایم کردن لحن امرانه زبان به کار نمی‌رود؛ بلکه براساس متن، ممکن است بیانگر تهدید باشد.

در پایان، نتایج به دست آمده از این تحقیق را در جدول زیر نشان می‌دهیم:

جدول ۳. شیوه‌های گوناگون بیان امر در زبان‌های فارسی و فرانسه

formes exprimant l'ordre	Valeurs sémantique	شیوه‌های گوناگون بیان امر در زبان فارسی	ارزش معنایی
1- présent	Ordre	۱. زمان حال	دستور
2-subjonctif	Ordre + nécessité	۲. دستور شرطی با «ابتدا... سپس...» (حال - التزام)	دستور و التزام
3-future proche	Ordre	۳. Ø	
4-future simple	Ordre atténué	۴. زمان حال (در مفهوم امر)	دستور و تهدید
5-structures indirectes:		۵. دستور غیر مستقیم	
Interrogatives	Ordre	سؤالی	دستور
Personnelles	Ordre/demande	شخصی	دستور و خواهش
Impersonnelles	Ordre/demande	غیر شخصی	دستور و خواهش
Déclaratives positives	Remarque aboutissant à un ordre	بیان مثبت	هشدار
Déclaratives négatives	Remarque aboutissant à un ordre	بیان منفی	هشدار
6-le verbe Devoir	Ordre	۶. بایستن (devoir)	دستور

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۷). *دستور تاریخی زبان فارسی*. چ. ۱. تهران: سمت.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه وده‌شناسی*. ترجمه مهدی سمائی. چ. ۱. تهران: نشر مرکز.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲). *دستور زبان فارسی*. چ. ۱۹. تهران: توس.
- واعظی، هنگامه (۱۳۸۶). «ساختار معنایی افعال وجهی در زبان فارسی امروز». *فصلنامه پازند*. س. ۳. ش. ۸ و ۹. صص. ۴۹ تا ۷۰.
- Arnauld, A. and C. Lancelot (1660). *Grammaire Générale et Raisonnée*. Paris: Bossange et Masson.
- Dubois, J. and Others (1973). *Dictionnaire Linguistique*. Paris: Librairie Larousse.
- Grevisse, M. (1969). *Précis de Grammaire Française*. Paris: Gembloux, Duculot.
- ----- (1980). *Bon usage*. Paris: Gembloux, Duculot.
- Leeman-Bouix, D. (1994). *Grammaire du Verbe Français*. Paris: Nath.
- Le Goffic, P. (1993). *Grammaire de la Phrase Française*. Paris: Hachette livre.
- Lotfi, A. R. (2001). "Persian "Bayad": A Violation of the Extended Projection Principale?". *California Linguistics Notes*. N. 1.
- Riegel, M. and J. CH. Pellat (1994). *Grammaire Méthodique du Français*. Paris: René Rioul.
- Weirich, H. (1989). *Grammaire Textuelle du Français*. Paris: Didier/Hatier.
- <www.atilf.atilf>.
- <www.Gallica.fr>.